

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز  
سال اول، شماره ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۵  
**بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دل‌بستگی**

رقیه عیدی - کارشناس ارشد در روانشناسی  
دکتر زینب خانجانی - دکتر در روانشناسی - استادیار دانشگاه تبریز

### چکیده

در این پژوهش تاثیر سبک‌های دل‌بستگی بر میزان رضایت زناشویی زوجها مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس ۳۵۶ نفر از دبیران متأهل زن سازمان آموزش و پرورش شهرستان تبریز به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به همراه همسرانشان در این پژوهش شرکت کردند.

برای سنجش متغیر رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و برای تعیین سبک دل‌بستگی افراد از پرسشنامه «هازن» و «شیور» استفاده شد و نتایج نشان داد بین سبک‌های مختلف دل‌بستگی از لحاظ میزان رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد. افراد ایمن چه مرد و چه زن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سبک‌های دیگر دارند و زمانی که هر دو زن و شوهر سبک دل‌بستگی ایمن دارند رضایت زناشویی بالاتر از زوج‌هایی است که یکی یا هر دو آنها نا ایمن (اجتنابی یا دوسوگرا) هستند. همچنین نتایج نشان داد زمانی که سبک دل‌بستگی زن و شوهر متجانس است به عبارتی هر دو ایمن یا هر دو اجتنابی یا هر دو سوگرا هستند رضایت زناشویی آنها بالاتر از زوج‌هایی است که سبک دل‌بستگی غیرمتجانس دارند. در میان سبک‌های مختلف دل‌بستگی پائین‌ترین رضایت زناشویی متعلق به زوج‌هایی بود که یکی از آنها سبک دل‌بستگی اجتنابی و دیگری سبک دل‌بستگی دوسوگرا داشت. از دیگر نتایج این پژوهش این بود که مردان نسبت به زنان رضایت زناشویی بالاتری دارند.

**واژه‌های کلیدی:** دل‌بستگی - دل‌بستگی زن - دل‌بستگی شوهر - دل‌بستگی زوجی - رضایت زناشویی

## مقدمه

یکی از عوامل مهم که در سالهای اخیر به آن توجه شده است و بر روی رضایت زناشویی تاثیر دارد تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می‌تواند وی را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد (سیمپسون<sup>۱</sup> و رولز، ۱۹۹۸).

طرفداران نظریه دلبستگی<sup>۲</sup> توجه زیادی به این مورد داشته‌اند. این نظریه معتقد است نوع رابطه مادر - کودک<sup>۳</sup> در سالهای اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی به مادر<sup>۴</sup>، میزان حمایت مادر هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه‌گاه ایمن بودن<sup>۵</sup> مادر برای کودک تا بتواند به کاوش در محیط بپردازد سبک دلبستگی<sup>۶</sup> فرد را معین می‌کند (فنی<sup>۷</sup> و نولر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶؛ هازن<sup>۹</sup> و شیور<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۷). فوگل<sup>۱۱</sup> اظهار می‌دارد که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است. به طوری که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد. بالبی معتقد است که این گره‌های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک منجر می‌شود نخستین تجلیات دلبستگی محسوب

1 - simpson, J, A.

2- attachment

3 - Mother-child Relationship

4 -availability

5 - secure base

6 - attachment style

7 - feeney, J. A

8- Noller, p.

9- Hazen, c.

10- shaver, p.

11- fuggle, a.

می‌شوند. دلبستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است (خانجانی، ۱۳۸۴). اینثوورث<sup>۱</sup> سه گروه دلبستگی را در بین کودکان مشخص کرد: گروه A (اجتنابی<sup>۲</sup>) رفتارهای دوری‌گزین دارند و نسبت به روابط نزدیک به صورت اجتنابی و تدافعی پاسخ می‌دهند. نحوه مراقبت مادر از آنها طردکننده، خشک و خصومت‌آمیز بوده است. گروه B (ایمن<sup>۳</sup>) ویژگی‌هایی از قبیل کاوش‌گری فعالانه در محیط، ناراحتی هنگام جدائی از مراقب و واکنش مثبت به بازگشت مراقب دارند. مراقبین این کودکان قابل دسترس، پاسخ‌دهنده و صمیمی بوده‌اند. گروه C (دو سوگرا<sup>۴</sup>) رفتارهای اضطرابی معترضانة، ناراحتی شدید هنگام جدائی از مراقب و رفتار دوسوگرایانه نسبت به بازگشت مراقب نشان می‌دهند. نحوه مراقبت از آنها غیر حساس، مداخله‌گرانه و ناسازگار بوده است (به نقل از فنی ونولر، ۱۹۹۶؛ اسروف<sup>۵</sup> و واترز<sup>۶</sup>، ۱۹۷۷). در بزرگسالی نیز سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا مشخص شده است. طرفداران این نظریه معتقدند به احتمال زیاد سبک دلبستگی کودک براساس الگوهای عملی درونی از خود و چهره دلبستگی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و در روابط بزرگسالی فرد منعکس می‌شود (فنی، ۱۹۹۹؛ کلاهنن و همکاران، ۱۹۸۸). الگوهای عملی از چهره دلبستگی یعنی باورها و انتظارات و احساسات فرد در مورد حساسیت و پاسخ‌دهندگی چهره دلبستگی و شامل ارزش و شایستگی می‌شود که فرد برای خود در دریافت توجه و محبت از دیگران قائل می‌شود (رابین، ۱۹۹۸). تحقیقات نشان می‌دهد کیفیت روابط مادر - کودک در دوران کودکی در تحول الگوهای عملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی نیز تحت تاثیر همین الگوهای عملی قرار می‌گیرد (فنی ونولر،

1 -Ainsworth, M.D.S

2 -Avoidant

3 -secure

4 -Ambivalent

5 -sroufe, C.A

6 -waters, E.

۱۹۹۶). دلبستگی‌های دوران شیرخوارگی نقش مهمی در توانائی شخص برای برقراری روابط در بزرگسالی دارند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۵). به عبارتی سبک دلبستگی فرد، شامل سبک‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا، تاثیر فراگیری می‌تواند روی روابط او با افراد دیگر داشته باشد (فنی، ۱۹۹۰). افراد مختلفی که سبک دلبستگی متفاوتی دارند تجارب مختلفی در روابط عاشقانه تجربه می‌کنند (هازن و شیور، ۱۹۸۷). بررسی‌های صورت گرفته در مورد ویژگی‌های افراد متعلق به سبک‌های مختلف دلبستگی و تاثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و رابطه با همسر موید آن است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج هستند به طوری که احساس آسودگی در روابط و فقدان ترس از طرد شدن نشان دهنده دلبستگی ایمن است (رابین، ۱۹۹۸). افراد دو سوگرا معمولاً در روابط خود ترس از طرد شدن دارند و افراد اجتنابی در روابط صمیمانه احساس آسودگی و راحتی نمی‌کنند (رابین، ۱۹۹۸).

برخی از تحقیقات موید آن است مردانی که قبل از ازدواج احساس آسودگی بیشتری در روابط خود داشته اند بعد از ازدواج رضایت زناشویی بالاتری گزارش کرده‌اند (به نقل از رابین، ۱۹۹۸).

پژوهش‌های دیگر حاکی از آن است که افراد ایمن روابط سالم‌تری در بزرگسالی دارند (وکرلی، ۱۹۹۸) در روابط خود پایدار هستند (فنی و نولر، ۱۹۹۰). رضایت بالاتری دارند (فنی، ۱۹۹۰)، در مقابل، افراد نا ایمن در روابط بزرگسالی خود سطح پائینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می‌دهند (سیمپسون، ۱۹۹۰). تعداد دیگری از پژوهش‌ها تاثیر سبک دلبستگی زوجین را در کیفیت روابط زناشویی تأیید کرده‌اند. بر طبق این پژوهش‌ها زن دوسوگرا با همسر اجتنابی پائین‌ترین حد رضایت زناشویی را گزارش کرده‌اند (به نقل از فنی و نولر، ۱۹۹۶). همچنین همسران افراد ایمن رضایت بالاتری را گزارش می‌کنند (وایت وی، ۲۰۰۱). این همسران عشق و علاقه بیشتری را

نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند (ووینگ، ۱۹۹۸) پیستول (۱۹۸۹) سبک و بستگی را در ارتباط با حل تعارض و رضایت در روابط مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش‌های وی مؤید آن بود که آزمودنی‌هایی که دلبسته ایمن بودند سطوح بالایی از رضایت در روابط را نشان دادند همچنین نسبت به دلبستگی‌های اجتماعی و دوسوگرا راهبردهای یکپارچه و مصالحه آمیزتری در حل تعارضات اتخاذ می‌کنند.

سیمپسون و همکاران (۱۹۹۸) رابطه بین سبک‌های دلبستگی، حمایت دهی و حمایت خواهی را در تعارضات زوجین نشان دادند. آنها دریافتند که بیشترین مردان ایمن حمایت بیشتری ارائه می‌کنند در حالی که مردان دلبسته اجتنابی چنین حمایتی را نشان نمی‌دهند. زنان دلبسته ایمن حمایت بیشتری را نسبت به زنان دلبسته اجتنابی طلب می‌کنند.

پژوهش‌های دیگری وجود کنش مراقبتی متفاوتی را بین زوج‌هایی با سبک‌های دلبستگی متفاوت نشان دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زوج‌های ایمن مراقبت بیشتری را در تعاملات زوجی خود نسبت به همسرشان نشان می‌دهند و زوج‌هایی که مراقبت بیشتری دریافت می‌کنند رضایت بیشتری از زندگی خود احساس می‌کنند (فنی، ۱۹۹۶).

با این توصیف مطالعات زیادی هم تأثیر دلبستگی زوجها را در کیفیت روابط زناشویی نشان دادند. زوج‌های ایمن همواره رضایت زناشویی بیشتری نشان داده‌اند. مطالعه حاضر با هدف مقایسه رضایت زناشویی زوجین در سبک‌های مختلف دلبستگی انجام شده و فرضیاتی چون: بالا بودن رضایت زناشویی زوج‌های ایمن - ایمن نسبت به سایر زوجها، بالا بودن رضایت زناشویی زوج‌هایی که سبک دلبستگی متجانس دارند نسبت به زوج‌هایی که سبک دلبستگی غیر متجانس دارند و مقایسه رضایت زناشویی زنان ایمن متعلق به طبقه ایمن - ایمن با زنان سایر طبقات و مردان متعلق به طبقه ایمن - ایمن با مردان سایر طبقات، مورد بررسی قرار گرفته است و این که آیا بین

میزان رضایت زناشویی مردان و زنان صرف‌نظر از سبک دلبستگی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟ و آیا بین میزان رضایت زناشویی مردان ایمن با زنان ایمن، مردان اجتنابی با زنان اجتنابی و مردان دوسوگرا و زنان دو سوگرا تفاوت معنی‌دار وجود دارد یا خیر سؤالاتی بودند که مورد پژوهش قرار گرفتند.

### طرح تحقیق

این پژوهش با توجه به اهداف آن غیرآزمایشی و از نوع پس رویدادی است.

### آزمودنی‌ها

در این پژوهش نمونه‌ای شامل ۳۶۰ زوج (۳۶۰ زن و شوهر آنها) انتخاب شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران (حجم جامعه=۹۹۹۲ نفر) تعیین گردید و آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا فهرست کاملی از کلیه مدارس شهرستان تبریز که دبیران زن در آن اشتغال داشتند (اعم از پسرانه و دخترانه) تهیه و سپس از میان آنها تعداد ۴۵ مدرسه نمونه‌گیری شدند. سرانجام کلیه معلمان متاهل مدرسه انتخاب شده به عنوان آزمودنی‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه نهائی ۳۵۶ زوج بود.

### ابزار پژوهش

الف - مقیاس دلبستگی هازن و شیور: به منظور بررسی سبک دلبستگی زوجین از مقیاس خودگزارش‌دهی هازن و شیور استفاده شد. این مقیاس ۳ آیتم کلی دارد که هر آیتم ویژگی‌های یکی از سبک‌ها را توصیف می‌کند. از آزمودنی‌ها خواسته شد با مطالعه ۳ آیتم این مقیاس، موردی را که ویژگی‌های آن را به خصائص خود

نزدیک‌تر می‌بینند مشخص کنند. به این ترتیب سبک دل‌بستگی افراد معین می‌شود. سه سبک اندازه‌گیری شده در این مقیاس عبارتند از سبک دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی. محققانی که از این مقیاس در تحقیقات خود استفاده کرده‌اند کارایی آن را در تعیین سبک دل‌بستگی افراد تأیید کرده‌اند. برخی از محققان این ابزار را در دو بخش قابل اجرا می‌دانند. یک بخش آن مربوط به روش درجه بندی لیکرت است که درجات سه سبک ایمنی، اجتنابی و دوسوگرایی را در افراد معین می‌کند. در بخش دوم که به صورت انتخاب اجباری است نوع دل‌بستگی فرد مشخص می‌شود (فنی ونولد، ۱۹۹۰). پاکدامن قابلیت اعتماد این آزمون را بر روی آزمودنی‌های ایرانی مورد بررسی قرار داد. مطابق یافته‌ها تفاوت بین دو اجرای توصیف‌های ۱ و ۲ و ۳ معنادار نیست و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است. اما با توجه به همبستگی بین نتایج این دو اجرا توصیف سوم (دل‌بستگی اضطرابی- دوسوگرا) قابل اعتمادترین است و درجه‌بندی توصیف دوم (دل‌بستگی اجتنابی) نیز قابل اعتماد بوده ولی توصیف اول (دل‌بستگی ایمن) کمترین میزان قابلیت اعتماد را در بین این سه توصیف دارد (ساعدی، ۱۳۸۲). در این پژوهش از بخش دوم این آزمون که در آن آزمودنی از میان سه توصیف مربوط به سبک دل‌بستگی یک مورد را که به ویژگی‌های خود نزدیکتر است انتخاب می‌کند استفاده گردیده است.

**ب- مقیاس رضایت زناشوئی انریچ:** در این مطالعه برای بررسی میزان رضایت زناشوئی از مقیاس رضایت زناشوئی انریچ استفاده شد. ضرائب آلفای پرسش‌نامه انریچ در گزارش اولسون و همکاران برای هر دو مقیاس پاسخ قراردادی، رضایت زناشوئی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشوئی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و بچه‌ها، بستگان و دوستان، نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد به ترتیب از این قرار است: ۰/۹، ۰/۸۱، ۰/۷۲، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲ و ۰/۷۱ (به نقل از ثنائی، ۱۳۷۹). در پژوهش مهدویان ضریب همبستگی پیرسون در روش باز آزمایی (به فاصله یک هفته) برای گروه مردان ۰/۹۳۷ و

برای گروه زنان ۰/۹۴۴ و برای گروه مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمد. ضریب آلفای فرم کوتاه ۴۸ سؤالی پرسش‌نامه در پژوهش میرخشتی ۰/۹۲ و در فرم ۴۷ سؤالی سلیمانیان ۰/۹۵ به دست آمده است (همان منبع). پاسخ به سئوالات این آزمون به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق - موافق - نه موافق و نه مخالف - مخالف و کاملاً مخالف) است که به ترتیب نمرات ۵ تا ۱ را به خود اختصاص می‌دهند. جمع نمرات فرد در هر یک از سئوالات میزان رضایت زناشویی او را نشان می‌دهد.

### شیوه اجرای پژوهش

برای اجرای پرسش‌نامه، پرسش‌گران آموزش‌هایی را دریافت کردند و قبل از توزیع پرسش‌نامه سعی شد طی جلسه‌ای توجیهی برای معلمان نکات و توضیحات لازم از جمله دقت در تکمیل پرسش‌نامه و برگشت حتمی و به موقع آن ارائه گردد. پس از آن پرسش‌نامه رضایت زناشویی و آزمون دلبستگی در بین آزمودنی‌ها توزیع و پرسش‌نامه‌های تکمیل شده توسط خود و همسران‌شان به فاصله حداکثر یک هفته جمع‌آوری شدند و پرسش‌نامه‌های ناقص و پرسش‌نامه‌های نامناسب با شرایط تحقیق مثلاً دفعات ازدواج بیش از یک بار، کنار گذاشته شدند. سپس آزمون‌های تکمیل شده هازن و شیور و رضایت زناشویی ارزیابی گردیدند و رضایت زناشویی افراد و زوجین تعیین شد و بعد از تعیین سبک‌های دلبستگی، هریک از زوجین در یکی از طبقات نه‌گانه ترکیب سبک‌های دلبستگی (مطابق با جدول ۱) قرار گرفتند.

جدول ۱- انواع طبقات نه‌گانه سبک‌های دلبستگی زوجین

شوهر	زن	
	ایمن	اجتنابی
ایمن	زن ایمن شوهر ایمن	زن اجتنابی شوهر ایمن
اجتنابی	زن ایمن شوهر اجتنابی	زن اجتنابی شوهر اجتنابی



فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال اول، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵

زن دوستوگرا شوهر دوستوگرا	زن اجتنابی شوهر دوستوگرا	زن ایمن شوهر دوستوگرا	دوستوگرا
------------------------------	-----------------------------	--------------------------	----------

## روشهای آماری

در این پژوهش از روش تی تست و تحلیل واریانس یک طرفه و به دنبال آن از آزمون  $\chi^2$  برای انجام مقایسه‌های پسین استفاده شد.

## نتایج

با توجه به سوالات و هدفی که در این پژوهش مورد نظر بوده و پیش‌تر ذکر شد سوالات و فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. در این قسمت ابتدا مشخصه‌های آماری رضایت زناشویی را در سبک‌های مختلف دلبستگی به تفکیک جنسیت ارائه داده و سپس به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

جدول ۲- مشخصه‌های آماری رضایت زناشویی افراد در سبک‌های مختلف دلبستگی به تفکیک جنسیت

اجتنابی		دوستوگرا		ایمن		سبک‌های دلبستگی  رضایت زناشویی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۷۹	۸۴	۵۸	۵۴	۲۱۹	۲۱۸	فراوانی
۴۸/۵	۵۱/۵	۵۱/۸	۴۸/۲	۵۰/۱	۴۹/۹	درصد
۱۵۹/۲۰۲۵	۱۶۰/۶۶۷	۱۶۲/۳۱۰۳	۱۵۹/۶۸۵۲	۱۸۶/۶۹۴۱	۱۷۸/۵۶۶۲	میانگین
۱۰/۵۴۹۵	۱۱/۶۵۱۹	۱۹/۹۰۴۳	۱۸/۴۸۱۸	۱۶/۹۰۶۲	۲۰/۱۶۹۰	انحراف استاندارد

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود زنان و مردان سبک دلبستگی ایمن میانگین رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سبک دلبستگی اجتنابی و دوستوگرا دارند و

کمترین میانگین رضایت زناشوئی متعلق به سبک دل‌بستگی اجتنابی است. در زنان کمترین حد رضایت زناشوئی متعلق به سبک دل‌بستگی دوسوگرا و در مردان کمترین حد رضایت زناشوئی متعلق به سبک اجتنابی است.



جدول ۳- مشخصه های آماری زوجین در رضایت زناشوئی به تفکیک نوع دلبستگی زوجی

مشخصه های آماری جنسیت	فراوانی	درصد	میانگین رضایت زناشوئی	انحراف استاندارد	حداقل رضایت زناشوئی	حداکثر رضایت زناشوئی
ایمن - ایمن	۱۶۷	۴۶/۹	۱۹۰/۳۴۲۵	۱۲/۸۰۹۶	۱۶۵	۲۳۵
زن دوسوگرا - شوهر دوسوگرا	۳۵	۹/۸	۱۷۴/۲۵۷۱	۷/۹۱۷۲	۱۶۰	۱۹۶
زن اجتنابی - شوهر اجتنابی	۳۵	۹/۸	۱۶۴/۲	۶/۲۸۱۶	۵۰	۱۷۴
زن اجتنابی - شوهر ایمن	۴۱	۱۱/۵	۱۶۸/۰۱۲۲	۲/۶۴۹۳	۱۶۳	۱۷۲
زن ایمن - شوهر اجتنابی	۳۶	۱۰/۱	۱۵۵/۸۱۹۴	۳/۲۹۷۵	۱۴۸	۱۶۰
زن دوسوگرا - شوهر ایمن	۱۱	۳/۱	۱۴۷/۱۸۱۸	۲/۰۰۳۴	۱۴۴	۱۵۱
زن ایمن - شوهر دوسوگرا	۱۵	۴/۲	۱۴۰/۱۳۳۳	۴/۷۵۶۴	۱۲۸/۵	۱۴۶
زن اجتنابی - شوهر دوسوگرا	۸	۲/۲	۱۳۲/۷۵	۷/۶۴۸۵	۱۲۱	۱۴۱
زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی	۸	۲/۲	۱۳۲/۱۲۵	۴/۹۹۸۲	۱۲۵	۱۳۷
کل	۳۵۶	٪۱۰۰	۱۷۴/۰۲۹۵	۲۰/۲۶۹۲	۱۲۱	۲۳۵

در مقایسه رضایت زناشویی سبک‌های دلبستگی زوجی همانطور که در جدول ۳- مشاهده می‌شود بیشترین حد رضایت زناشویی به طبقه‌ای اختصاص دارد که هر دو زوج (زن و شوهر) ایمن هستند ( $M = 190/2425$ ) و کمترین حد رضایت زناشویی به سبک‌هایی اختصاص دارد که یکی از همسران اجتنابی و دیگری دوسوگرا است. در سبک دلبستگی زوجی زن اجتنابی - شوهر دوسوگرا  $M = 132/75$  و در سبک دلبستگی زوجی زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی  $M = 132/125$  می‌باشد. همچنین بیشترین فراوانی متعلق به سبک دلبستگی زوجی ایمن - ایمن برابر با ۱۶۷ زوج و کمترین فراوانی متعلق به سبک دلبستگی زوجی زن اجتنابی - شوهر دوسوگرا و زن دوسوگرا- شوهر اجتنابی و در هر یک برابر ۸ بوده است.

جدول ۴- خلاصه نتایج تحلیل واریانس یکراهه نمرات رضایت زناشویی زوج ها به تفکیک سبک دلبستگی زوجی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۱۳۵۴۶/۶۶۱	۸	۱۴۱۹۳/۳۳۳		
درون گروهی	۳۲۳۰۲/۲۷۹	۳۴۷	۹۳/۰۶۰	۴۶۹/۱۵۲	۰/۰۰۰
کل	۱۴۵۸۴۸/۹۴	۳۵۵			

برای بررسی تفاوت بین سبک‌های مختلف دلبستگی زوجین از لحاظ میزان رضایت زناشویی آنها از روش آماری تحلیل واریانس یک راهه (جدول ۴) استفاده گردید.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بین سبک‌های مختلف دلبستگی زوجین از لحاظ رضایت زناشویی در سطح  $P < 0/000$  از لحاظ آماری تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون توکی بین سبک‌های زوجی

سبک دلبستگی زوجی	زن ایمن شوهر ایمن	زن دوسوگرا شوهر دو سوگرا	زن اجتنابی شوهر اجتنابی	زن ایمن شوهر اجتنابی	زن دوسوگرا شوهر ایمن	زن ایمن شوهر دوسوگرا	زن دوسوگرا شوهر دو سوگرا	زن دوسوگرا شوهر اجتنابی	زن دو سوگرا شوهر اجتنابی
زن ایمن - شوهر ایمن	۱۵/۹۸ *	۲۶/۰۴*	۲۲/۲۳*	۳۴/۴۲*	۴۳/۰۶*	۵۰/۱۱*	۵۷/۴۹*	۵۸/۱۲*	
زن دوسوگرا - شوهر دوسوگرا		۱۰/۰۶*	۶/۲۴	۱۸/۴۴*	۲۷/۰۷*	۳۴/۱۲*	۴۱/۵۱*	۴۲/۱۳*	
زن اجتنابی - شوهر اجتنابی			-۳/۸۱	۸/۳۸*	۱۷/۰۲*	۲۴/۰۷*	۳۱/۴۵*	۳۲/۰۷*	
زن اجتنابی - شوهر ایمن				۱۲/۱۹*	۲۰/۸۳*	۲۷/۸۸*	۳۵/۲۶*	۳۵/۸۹*	
زن ایمن - شوهر اجتنابی					۸/۶۴	۱۵/۶۹*	۲۳/۰۷*	۲۳/۶۴*	
زن دوسوگرا - شوهر ایمن						۷/۰۵	۱۴/۴۳*	۱۵/۰۶*	
زن ایمن - شوهر دو سوگرا							۷/۳۸	۸/۰۱	
زن اجتنابی - شوهر دوسوگرا								۸/۰۱	
زن دو سوگرا - شوهر اجتنابی								۰/۶۲۵	

\* معنی‌دار در سطح ۰/۰۵

نتایج آزمون توکی نشان داد که بین سبک‌های زوجی ذیل از لحاظ رضایت زناشویی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد؛ زن دوسوگرا - شوهر دوسوگرا با سبک زن اجتنابی - شوهر ایمن و سبک زن اجتنابی - شوهر اجتنابی با سبک زن اجتنابی - شوهر ایمن و سبک زن ایمن - شوهر اجتنابی با سبک زن دوسوگرا - شوهر ایمن و سبک زن دوسوگرا - شوهر ایمن - شوهر دوسوگرا و سبک زن اجتنابی - شوهر دوسوگرا با سبک زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی. اما تفاوت مشاهده شده بین سایر سبک‌ها معنی‌دار است. کمترین تفاوت معنی‌دار بین سبک زن ایمن - شوهر دوسوگرا با سبک زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی و برابر با  $8/01$ ، بیشترین تفاوت معنی‌دار بین سبک زن ایمن - شوهر ایمن با سبک زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی برابر با  $58/12$ ، بوده است. همچنین با توجه به نتایج جدول ۴ مبنی بر معنی‌دار بودن تفاوت میانگین رضایت زناشویی گروه‌های نه‌گانه و نتایج آزمون توکی که نشان می‌دهد تفاوت میانگین گروه ایمن - ایمن با سایر گروه‌ها معنی‌دار و مثبت است نتیجه گرفته می‌شود این سبک دل‌بستگی زوجی، رضایت زناشویی بالاتری از سایر سبک‌های زوجی دارد. به عبارتی رضایت زناشویی سبک ایمن - ایمن بالاتر از سایر گروه‌ها است. بدین ترتیب فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

همچنین بر اساس یافته‌ها، گروه زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی جز با گروه زن ایمن - شوهر دوسوگرا و زن اجتنابی - شوهر دوسوگرا با بقیه گروه‌ها از لحاظ میانگین رضایت زناشویی تفاوت معنی‌دار دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جز در دو مورد مذکور کمترین میزان رضایت زناشویی در بین زوجین متعلق به زوج زن دوسوگرا - مرد اجتنابی است.

**جدول ۶- خلاصه نتایج آزمون تی برای مقایسه رضایت زناشویی دو گروه متجانس و غیرمتجانس از لحاظ سبک دل‌بستگی زن و شوهر**

معنی داری	t	میانگین رضایت زناشویی	تعداد	گروهها
۰/۰۰۰	۱۸/۳۲۳	۱۸۴/۰۳۵۹	۲۳۷	گروه متجانس
		۱۵۴/۱	۱۱۹	گروه غیر متجانس

برای بررسی این فرضیه «زوج‌های دارای سبک دلبستگی متجانس نسبت به زوج‌هایی که سبک دلبستگی غیرمتجانس دارند از لحاظ میزان رضایت زناشویی بالاتر هستند» از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شد. با توجه به نتایج جدول ۶ و سطح معنی‌داری  $p < ۰/۰۰۰$  و  $t = ۱۸/۳۲۳$  این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین زن و شوهرهایی که سبک دلبستگی متجانس دارند از لحاظ رضایت زناشویی نسبت به زن و شوهرهایی که سبک دلبستگی غیر متجانس دارند در سطح بالاتری قرار دارند.

جدول ۷- خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه رضایت زناشویی زنان در سبک‌های مختلف دلبستگی زوجی

معنی داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۱۴۴/۲۵۱	۱۴۰۶۷/۳۲۷	۸	۱۱۲۵۳۷/۸۹۴	بین گروهی
		۹۷/۵۱۹	۳۴۷	۳۳۸۳۹/۰۸۱	درون گروهی
			۳۵۵	۱۴۶۳۷۶/۹۷۵	کل

به منظور بررسی این فرضیه که زنان طبقه زوجی ایمن- ایمن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به زنان سایر طبقات دلبستگی زوجی دارند از روش تحلیل واریانس یک طرفه و به دنبال آن از آزمون توکی استفاده شد. با توجه به میزان  $F=144/251$  و سطح معنی داری  $P < 0/000$  معنی داری تفاوت میانگین‌ها تأیید می‌شود.

**جدول ۸- نتایج آزمون توکی برای مقایسه رضایت زناشویی زنان متعلق به سبک دلبستگی زوجی ایمن- ایمن با زنان سایر طبقات دلبستگی زوجی**

۱۷۸

زن ایمن شوهر ایمن	زن دوسوگرا شوهر دوسوگرا	زن اجتنابی شوهر اجتنابی	زن اجتنابی شوهر ایمن	زن ایمن شوهر اجتنابی	زن دوسوگرا شوهر ایمن	زن ایمن شوهر دوسوگرا	زن اجتنابی شوهر دوسوگرا	زن دوسوگرا شوهر اجتنابی
۱۵/۹۳*	۲۵/۸۴*	۲۱/۹۸*	*	۴۳/۸۶*	۵۰/۱۲*	۵۶/۹۶*	۵۸/۳۴*	زن ایمن شوهر ایمن

در مقایسه رضایت زناشویی زنان ایمن متعلق به طبقه دلبستگی زوجی ایمن- ایمن با زنان سایر طبقات ملاحظه می‌شود که کمترین تفاوت معنی دار بین رضایت زناشویی زنان متعلق به سبک دلبستگی ایمن- ایمن با زنان سبک دلبستگی زن دوسوگرا- شوهر دوسوگرا و برابر با ۱۵/۹۳ و بیشترین تفاوت معنی دار بین رضایت زناشویی زنان ایمن متعلق به سبک دلبستگی زن ایمن- شوهر ایمن با زنان سبک



دلبستگی زن دوسوگرا - شوهر اجتنابی برابر با ۵۸/۳۴ می‌باشد. به طور کلی تفاوت میانگین رضایت زناشوئی زنان متعلق به طبقه دلبستگی ایمن- ایمن با هر یک از گروهها معنی‌دار است و با توجه به مثبت بودن این تفاوت با هر یک از گروهها نتیجه گرفته می‌شود رضایت زناشوئی زنان این گروه بالاتر از زنان سایر گروه‌هاست (جدول ۸).

جدول ۹- خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه رضایت زناشوئی مردان سبک ایمن- ایمن با مردان سایر طبقات دلبستگی زوجی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معنی داری
بین گروهی	۱۱۵۸۷۴/۶۹۲	۸	۱۴۴۸/۳۷۰		
درون گروهی	۳۵۷۶۹/۰۸۳	۳۴۷	۱۰۳/۰۸۱	۱۴۰/۵۱۵	۰/۰۰۰
کل	۱۵۱۶۴۴/۰۴۵	۳۵۵			

به منظور مقایسه میزان رضایت زناشوئی مردان متعلق به سبک دلبستگی زوجی ایمن- ایمن با رضایت زناشوئی مردان سایر طبقات دلبستگی زوجی از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و به دنبال آن از آزمون توکی استفاده شد. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۹ و مقدار  $F = 140/515$  و سطح معنی‌داری  $P < 0/000$  وجود تفاوت معنی‌دار بین گروه‌ها نشان داده می‌شود.

جدول ۱۰- نتایج آزمون توکی برای مقایسه رضایت زناشوئی مردان متعلق به سبک دلبستگی زوجی ایمن- ایمن با مردان سایر طبقات دلبستگی زوجی



زن دلبستگی سبک	زن ایمن شوهر ایمن	زن دوسوگرا شوهر دوسوگرا	زن اجتنابی شوهر اجتنابی	زن اجتنابی شوهر ایمن	زن ایمن شوهر اجتنابی	زن دوسوگرا شوهر ایمن	زن ایمن شوهر دوسوگرا	زن اجتنابی شوهر دوسوگرا	زن دوسوگرا شوهر اجتنابی
زن ایمن شوهر ایمن		۱۶/۱۳*	۲۶/۷۰*	۲۲/۷۱	۳۵/۴۶*	۴۲/۴۳*	۵۰/۲۷	۵۸/۲۰*	۵۸/۰۷*

در مقایسه رضایت زناشویی مردان متعلق به سبک دلبستگی زوجی ایمن-ایمن با مردان سایر طبقات دلبستگی زوجی نتایج آزمون توکی نشان می‌دهد که مردان متعلق به طبقه دلبستگی زوجی ایمن-ایمن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به مردان سایر طبقات دارند. کمترین تفاوت معنی‌دار بین رضایت زناشویی مردان متعلق به سبک دلبستگی زوجی ایمن-ایمن با مردان متعلق به سبک دلبستگی زوجی زن دوسوگرا-شوهر دوسوگرا و برابر با ۱۶/۱۳ و بیشترین تفاوت معنی‌دار آن با مردان طبقه دلبستگی زوجی اجتنابی-شوهر دوسوگرا (برابر با ۵۸/۲۰) و مردان متعلق به سبک دلبستگی زوجی زن دوسوگرا-شوهر اجتنابی (برابر با ۵۸/۰۷) بوده است.

جدول ۱۱- خلاصه نتایج آزمون t برای مقایسه زنان و مردان در رضایت زناشویی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	معنی‌داری
زن	۳۵۶ نفر	۱۷۱/۴۹۱۶	۲۰/۳۰۵۹	-۳/۳۳۸	۰/۰۰۱
مرد	۳۵۶ نفر	۱۷۶/۶۱۸	۲۰/۶۶۸		

برای بررسی معنی‌داری تفاوت رضایت زناشوئی مردان و زنان به طور کلی، از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شد. براساس نتایج جدول ۱۱ و  $t = -3/338$  و سطح معنی‌داری  $p < 0/0001$  تفاوت معنی‌دار بین رضایت زناشوئی زنان و مردان وجود دارد و با توجه به اینکه میانگین رضایت زناشوئی مردان برابر با  $M = 176/618$  از میانگین رضایت زناشوئی زنان  $M = 171/49$  بزرگتر است می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از سبک دلبستگی، مردان نسبت به زنان از رضایت زناشوئی بالاتری برخوردارند.

به منظور بررسی میزان رضایت زناشوئی زنان ایمن با مردان ایمن، مردان دوسوگرا با زنان دوسوگرا، مردان اجتنابی با زنان اجتنابی صرف نظر از سبک دلبستگی همسران آنها از تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد. با توجه به سطح معنی‌داری تعامل طبقه دلبستگی و جنسیت ( $p < 0/01$ ) وجود اثر متقابل بین طبقه دلبستگی و جنسیت مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۱۸۱

جدول ۱۲- در نتایج آزمون توکی برای مقایسه میزان رضایت زناشوئی زنان و مردان در سه سطح ایمن، اجتنابی و دوسوگرا صرف نظر از سبک دلبستگی همسر

مردان اجتنابی	زنان اجتنابی	مردان دوسوگرا	زنان دوسوگرا	مردان ایمن	زنان ایمن	
۲۴/۲۰*	۱۶/۹۳*	۱۵/۷۹*	۱۸/۶۰*	-۸/۱۸*		زنان ایمن
۲۸/۴۲*	۲۵/۱۱*	۲۳/۹۷*	۲۶/۷۸*			مردان ایمن
۱/۶۴	-۱/۶۷	-۲/۸۰۸۳				زنان دوسوگرا
۴/۴۵	۱/۱۳					مردان دوسوگرا

۳۱/۳						زنان اجتنابی
						مردان اجتنابی

نتایج آزمون توکی (جدول ۱۲) نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین رضایت زناشویی زنان ایمن و مردان ایمن وجود دارد. به عبارتی مردان ایمن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به زنان ایمن دارند. زنان دوسوگرا و مردان دوسوگرا تفاوت معنی‌داری از لحاظ میانگین رضایت زناشویی ندارند و همچنین تفاوت معنی‌داری نیز بین میانگین رضایت زناشویی زنان اجتنابی و مردان اجتنابی مشاهده نمی‌شود.

### بحث و تحلیل نتایج

یافته‌های حاصل از این پژوهش را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

۱- یافته‌های حاصل از مقایسه طبقات دل‌بستگی زوجی که تاثیر سبک دل‌بستگی زن و شوهر (هر دو) را در میزان رضایت زناشویی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- یافته‌هایی که تاثیر سبک دل‌بستگی فرد را بدون در نظر گرفتن سبک دل‌بستگی همسر در میزان رضایت زناشویی مورد بررسی قرار می‌دهند.

۳- یافته‌هایی که تاثیر جنسیت را بدون در نظر گرفتن سبک دل‌بستگی زوجی و فردی در میزان رضایت زناشویی نشان می‌دهند.

اولین یافته در پژوهش حاضر این است که درصد افراد طبقه بندی شده در سبک دل‌بستگی ایمن به مراتب بیش از دو سبک دیگر یعنی دل‌بسته ناایمن دوسوگرا و ناایمن اجتنابی است. این مسأله هم در مورد سبک دل‌بستگی فردی و هم در سبک دل‌بستگی زوجی صادق است. این نتیجه به دست آمده از پژوهش حاضر هم‌خوان با تعداد دیگری از پژوهش‌های انجام گرفته در داخل کشور می‌باشد. مثلاً در پژوهشی

توسط مظاهری (۱۳۷۹) از کل ۵۲ زوج شرکت‌کننده در پژوهش ۴۱ نفر یعنی ۷۸/۸ درصد متعلق به طبقه دل‌بستگی ایمن بودند. همچنین تحقیقات هازن و شیور (۱۹۸۷)؛ فنی ونولر (۱۹۹۰)؛ کولین اوریدی (۱۹۹۰)؛ فنی (۱۹۹۴)؛ برنان و شیور (۱۹۹۵)؛ داویلا و همکاران (۱۹۹۸)؛ ریورا (۱۹۹۹)؛ وایت وی (۲۰۰۱) درصد بالای افراد ایمن در جمعیت گزارش کرده‌اند.

به نظر می‌رسد سبک دل‌بستگی نقش مهمی نیز در شیوه همسرگزینی دارد به طوری که افراد ایمن تمایل بیشتری به ازدواج با افراد ایمن دارند. در میان نایمن‌ها چه دوسوگرا و چه اجتنابی تمایل به ازدواج با افراد ایمن و یا با افرادی از سبک دل‌بستگی فراوانی زوج‌های دوسوگرا - اجتنابی به نظر

تگی تمایل کمتری به ازدواج با یکدیگر و یا ادامه زندی مشورت با یدیدر دارند. این یافته با نتایج مارکوس (۱۹۹۷) و کوبک و هازن (۱۹۹۱) هم خوانی دارد ولی با یافته مظاهری (۱۳۷۹) مطابقت ندارد. در پژوهش مظاهری (۱۳۷۹) هیچ زوج اجتنابی - اجتنابی وجود نداشت. چنین تفاوتی در یافته‌های پژوهش مظاهری و پژوهش حاضر را می‌توان به تفاوت نمونه‌ها نسبت داد. نمونه مورد پژوهش در تحقیق مظاهری از میان زوج‌های اصفهانی انتخاب شده بودند. بخشی از این نمونه را زنان شاغل و بخشی را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دادند و در رابطه با سطح تحصیلات نیز افرادی با سطح تحصیلات پایین‌تر از دیپلم، دیپلم و دانشگاهی حضور داشتند. افراد طلاق گرفته (هرچند بسیار اندک) نیز در این نمونه به چشم می‌خورد. در مقابل در پژوهش حاضر، نمونه انتخابی از زوج‌های تبریزی انتخاب شده‌اند که همه زنان شرکت‌کننده در پژوهش شاغل و همه دبیر آموزش و پرورش شهرستان تبریز بودند و

---

1 -Collin , N.L

2 -Read , S.

تحصیلات همگی بالاتر از دیپلم بود. در ضمن پرسشنامه‌های افرادی که بیش از یکبار ازدواج کرده بودند به عنوان متغیر کنترل کنار گذاشته بودند.

یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد بین انواع مختلف سبک‌های دلبستگی زوجین از لحاظ میزان رضایت زناشویی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مظاهری (۱۳۷۹)؛ فنی ونولر (۱۹۹۶)؛ داویلا و همکاران (۱۹۹۳)؛ هازن و شیور (۱۹۹۶)؛ جاکوب (۱۹۹۹)؛ مارکوس (۱۹۹۷)؛ ریورا (۱۹۹۹)؛ فینچام (۱۹۹۸) هم‌خوانی دارد. هیچ پژوهشی که نشان دهد چنین تفاوتی بین سبک‌های مختلف دلبستگی از لحاظ زناشویی وجود ندارد به دست نیامد.

از سوی دیگر در این پژوهش نشان داده شد زوج‌هایی که هر دو سبک دلبستگی ایمن داشتند میانگین رضایت زناشویی بیشتری را گزارش کردند. این یافته با نتایج پژوهش‌های فنی (۱۹۹۰)؛ سیمپسون (۱۹۹۰)؛ مارکوس (۱۹۹۷)؛ وولینگ (۱۹۹۸)؛ ریورا (۱۹۹۹)؛ وایت وی (۲۰۰۱)؛ فنی (۱۹۹۴)؛ بشارت (۱۳۸۰)؛ فیروززی (۱۳۸۰)؛ مظاهری (۱۳۷۹) مطابقت دارد. در این مورد نیز هیچ پژوهشی که بر خلاف این یافته را تأیید کند به دست نیامد.

۱۸۴ یافته‌های پژوهش فنی ونولر (۱۹۹۴) نشان داد که گروه زن دوسوگرا - مرد اجتنابی پائین‌ترین حد رضایت زناشویی را نسبت به سایر گروه‌ها نشان می‌دهند. در این پژوهش نیز تفاوت میانگین رضایت زناشویی این گروه با گروه‌های ایمن - ایمن، دوسوگرا - دوسوگرا، اجتنابی - اجتنابی، زن اجتنابی - شوهر ایمن، زن ایمن - شوهر اجتنابی وزن دوسوگرا - شوهر ایمن معنی‌دار و کمتر از آن‌ها است ولی با گروه‌های شوهر دوسوگرا - زن ایمن و شوهر دوسوگرا - زن اجتنابی تفاوت معنی‌دار ندارد. به عبارتی بر اساس پژوهش حاضر در مورد زوج دوسوگرا - اجتنابی جنسیت تأثیری ندارد. یعنی مهم نیست که زن یا شوهر کدامیک دوسوگرا یا اجتنابی باشند فقط کافی است یکی از زوجین دوسوگرا و دیگری اجتنابی باشد در این حالت میزان رضایت زناشویی به شدت کاهش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان دادند که بین نوع دلبستگی زوجی شوهر

دوسوگرا - زن ایمن با دلبستگی زوجی دو سوگرا - اجتنابی تفاوت معنی‌دار وجود نداشت. این مسأله از طریق ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی فرد دوسوگرا قابل تبیین می‌باشد. به نظر می‌رسد افراد دوسوگرا به دلیل احساس اضطراب و طردشدگی دائمی که دارند، همچنین به دلیل چسبندگی و دلبستگی شدید و احساس خطر دائمی از بی‌وفایی همسر، بیش از حد برای همسر خود ایجاد مزاحمت روان شناختی کرده و تا حدی با کنترل و چسبندگی دائمی به او، آزادی‌ها، استقلال و خود مختاری طرف مقابل را سلب می‌کند. تحمل این نوع رفتار و ویژگی‌های همسر دوسوگرا برای طرف دیگر که ایمن است و بنابراین شخصیتی خود مختار دارد، احساس آسودگی و راحتی در زندگی می‌کند، به جهان و اطرافیان اعتماد دارد، دشوار بوده و چنین رابطه در بند کننده‌ای را که لطمات زیادی به خود مختاری او می‌زند مشکل یافته و در نتیجه سطح رضایت زناشویی در این نوع دلبستگی زوجی نیز نسبت به سایر انواع کاهش می‌یابد.

سبک دلبستگی زوجی دوسوگرا - اجتنابی پائین‌ترین رضایت زناشویی را در این پژوهش نشان داد که تبیین احتمالی برای کاهش میزان رضایت زناشویی در سبک دلبستگی زوجی دوسوگرا - اجتنابی قابل توجیه از طریق ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی افراد دوسوگرا و اجتنابی است. به طوری که از یک سو افراد دوسوگرا حالت وابستگی و چسبندگی و احساس عدم اعتماد به همسر خود دارند اما از سوی دیگر همسر که فردی اجتنابی است به شدت از ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه گریزان است و به محض اینکه احساس می‌کند ارتباط در حال نزدیکی است ناهشیارانه از آن اجتناب می‌کند. بنابراین یکی از طرفین (همسر دوسوگرا) به دلیل اضطراب دائمی از طرد شدن دائماً در جهت نزدیکی و وابستگی بیش از حد به طرف دیگر یعنی همسرش است در حالی که طرف مقابل (همسر اجتنابی) به این دلیل که در روابط نزدیک و صمیمانه خود به طور ناهشیار روابط دوران کودکی با چهره دلبستگی را به خاطر می‌آورد و در نتیجه موجب بیداری اضطراب ناشی از طرد تجربه شده دوره کودکی می‌شود و همچنین به دلیل اینکه فرد تمایلی به تجربه طرد مجدد در روابط فعلی را

ندارد از هر نوع نزدیکی و رابطه صمیمانه‌ای می‌گریزد و از وابستگی همسر به خودش رنج می‌برد. این مسائل رضایت زناشویی هر دو طرف را به شدت کاهش می‌دهد. چهارمین یافته این پژوهش نشان داد میانگین رضایت زناشویی زوج‌هایی که سبک دل‌بستگی یکسانی دارند به صورت معنی‌داری بیشتر از میانگین رضایت زناشویی زوج‌هایی است که سبک دل‌بستگی غیر یکسان دارند. این یافته پژوهش حاضر با یافته‌های رایبین (۱۹۹۸) و وکرلی (۱۹۹۸) مطابقت دارد. تبیین احتمالی این یافته آن است که به دلیل تجانس ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری زوج‌هایی که سبک دل‌بستگی مشابه دارند میزان اختلاف و مشکلات زناشویی آنها کمتر می‌باشد زیرا هر یک از طرفین بهتر می‌تواند ویژگی‌های طرف مقابل را درک کند و چون مشابه آنها را در خود می‌یابد موجب کاهش تضادها و عدم تفاهم‌ها می‌گردد.

در گروه غیر متجانس سبک دل‌بستگی زوجی زن اجتنابی - مرد ایمن به صورت معنی‌داری میانگین رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سایر گروه‌ها دارد. در مورد بالاتر بودن رضایت زناشویی گروه زن اجتنابی - مرد ایمن نسبت به گروه زن ایمن - مرد اجتنابی<sup>۱۸۶</sup> می‌توان به تفاوت‌های زن و مرد از لحاظ عواطف و روابط بین شخصی اشاره کرد. شواهد نظری و تجربی نوعی تفاوت جنسی کلی را پیشنهاد می‌کنند مبنی بر اینکه عوامل مربوط به عواطف و روابط بین شخصی برای زنان مهمتر از مردان است. هر چند در زندگی بزرگسالان هم دل‌بستگی و هم خود مختاری اهداف مطلوب برای هر دو جنس می‌باشند اما به هر حال هنجارهای اجتماعی دل‌بستگی را در زنان و خود مختاری را در مردان تشویق و تقویت می‌کنند. بنابراین در گروه زنان اجتنابی - مرد ایمن، تلفیق ویژگی‌های مربوط به سبک دل‌بستگی اجتنابی و عواطف و دل‌بستگی‌های زنانه از شدت تفاوت سبک دل‌بستگی و شوهر می‌کاهد و تاثیر مخرب کمتری در رضایت زناشویی آنها ایجاد می‌کند. اما در گروه زن ایمن - مرد اجتنابی تلفیق خصوصیات مردانه با ویژگی‌های اجتنابی فاصله بیشتری بین زوجین ایجاد می‌کند و از رضایت زناشویی آنها



می‌کاهد. پنجمین و ششمین یافته پژوهش موید آن بود که زنان و مردان متعلق به سبک دلبستگی ایمن - ایمن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به زنان سایر طبقات دلبستگی زوجی دارند. به طور کلی تفاوت بین رضایت زناشویی زنان طبقات ایمن - ایمن با زنان سایر طبقات و رضایت زناشویی مردان ایمن - ایمن با مردان سایر طبقات معنی‌دار بود.

در مورد بالا بودن رضایت زناشویی مردان در مقایسه با رضایت زناشویی زنان به عنوان یکی از یافته‌های این پژوهش می‌توان به تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، شاغل بودن زنان گروه نمونه، انتخاب نمونه از میان زنان شاغل در سازمان آموزش و پرورش و شوهران آنها که می‌تواند نمونه تکمیل پرسشنامه توسط شوهرانشان را تحت تأثیر قرار دهد اشاره کرد.

## منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی. مجله روانشناسی ۱۹، سال پنجم، شماره ۱۳۸۰. ۱۸۷
- ثنائی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران، نشر بعثت
- خانجانی، زینب (۱۳۸۴). تحول و آسیب‌شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی. تبریز - انتشارات فروزش
- ساعدی، سحر (۱۳۸۲). بررسی سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیتی والدین و سبک‌های دلبستگی کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه تبریز - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۱). رابطه صفات شخصیتی با رضایت زناشویی در زوج‌های دامغان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

فیروزی، منیژه (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک دلبستگی زوجین و سازش روان شناختی با ناباروری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

کاپلان، هارولد و سادوک، بنیامین (۱۳۷۵). خلاصه روانپزشکی، مترجم: نصرت ... پورافکاری، جلد اول - تهران: انتشارات شهر آب.

مظاهری، محمد علی (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش وری ازدواج. مجله روان‌شناسی ۱۵ - سال چهارم - شماره ۳.

*Brennan, k. A. & shaver, P.R. (1995). Dimensions of adult attachment affect regulation and romantic relationship functioning. Personality and social psychology Bulletin, 21, 267-283*

*Collins, N.L. & Read, s. (1990). Adult Attachment working models and relationship quality in dating couples. Journal of personality and social psychology, 58, 603-644*

*Davila, J., Bradbury, T. & fincham, F. (1998). Negative affectivity as a mediator of The association between adult Attachment and marital satisfaction. Personal Relations . 5 4 , 467-484*

*Feeney, J. A. & Noller, p. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationship. Journal of personality and social psychology . 58, 281-291*

*Feeney, J.A. (1994). Attachment style, commuincution patterns and satisfaction across. The Life Cycle of marriage*

*Feeney, J. A., Noller, P. (1996). Adult Attachment & P.R. shaver*

*Feeney, J.A., (1999). Adult romantic A Hachment and coup & P. R. Shaver (Eds). Handbook of Attachment: Theory, research and*

*clinical applications, New york Guilford press.riage, personal Relationships, 1,333-348.*

Ffincham, F.D.& Bradbury, T.N. (1998). **Marital satisfaction. Depression, and attribution: A longitudina Lanalysis.** *Journal of personality and social psychology* , 64,442-452.

Hazan, C., & shaver, P.(1994). **Adult romantic attachment: Theory and evidence.** In D. perlman & W. Jones(Eds), *Advances in personal relationships* (vol, 4, pp. 29-70) London

Hazan, C.,& shaver, p.(1987). **Attachment as an organizational framework for research on close relation ships.** *Psychological Inguriy*,5,7-22.

Jacob, F. M. (1999). **Countinuities in support experience: wellbeing and distress from attachment style, of personal stiving.** *Doctroal dissertation A bstracts International*.59

clohnen, E. C., & Bera, S.(1998). **Behavioral and experiential patterns of avoidantly and securely attached women across adulthood: A 31 year longitudinal persective.** *Journal of personality and social psychology*, 74,211-223.

Kakak, R. R. & Hazan, C. (1991). **Attachment in marriage: Effects of security and accuracy in working models.** *Journal of personality and social psychology* ,60

Marcus, L.(1997). **The relationships of adult attachment stgle, communication, and relationship satisfaction.** (Doctoral Dissertation fordham university 1997). *Dissertation abstracts International*, 58. *The relationships of adult attachment*, 69.

- Pistol, M.C (1989). Attachment in adult romantic relationship: style of conflict resolution and relationship satisfaction. Journal of social and personal relationship. 6,505510 .*
- Rivera, D. L. (1999). Adult Attachment patterns and Their relationship to marital satisfaction. (Doctoral dissertdion) Colombia university, Dissertation Abstracts (1999).*
- Robyn, A. P, Evelyn, D. S (1998). Attachment and maritaladjustment. Changing families, challenging futures 6 Th Australian Institute of Family studies conference Melborn 25-27 November 1998*
- Simpson, J.A. (1990). Influence of attachment style on romantic relationships: Journal of personality and social psychology. 62,434 - 440*
- Simpson, J. A.& Rboles ,W. S.& Nelligan ,G. S. (1998). Atlachment Theory and close relationships. New york: cuilford press.*
- Sroufe, L. A, Waters, E. (1977). Attachment as an organiztional construct. Child Development, 1977, 48, 1184-1199*
- Volling, B., Brend, L., Notaro, p.c.& larsen,J. (1998). Adult Atlachment style: Relations with emotional well beinge, and parenting. Family Relations. 4,135*
- Wekerle, C. & davilas., A. W. (1998). The role of child maltreatment and Attachment atyle in adolescent relationship violence. Development and psychology 10,511-586.*
- Whiteway, M. (2001). Adult Attachment style and their relationship to marital satisfaction in couples in first marriages of seven (7) years or longer. Submitted in partial fulfillment of the*

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
- ▶ سال اول، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵

*Requirement of the degree of Doctor of philosophy. Seton Hall university . www. Findarticle .com*

